

آیین‌ها برشمرده؟ این پرسشی است که تنها با شناخت ساختار آیین مزبور می‌توان به آن پاسخ داد. علی‌بلوکباشی آیین قالی‌شوین را مناسک نمادین می‌نامد و یا روح الامینی بر آن نام جشن‌ها و آیین‌های محلی و منطقه‌ای می‌گذارد. این دو تعریف متفاوت هر یک علی‌رغم شباهت‌های کلی، چشم‌اندازی مختلف را بر بررسی موضوع می‌گشایند. اگرچه روح الامینی آیین‌های مورد بررسی خود و از جمله آیین قالی‌شوین را گونه‌ای جشن (فستیوال - کارناوال) می‌داند اما به دلیل عدم رویکرد مورفولوژیک، از تمایز آنها سخنی به میان نمی‌آورد. به این دلیل ما به تفاوت‌های میان فستیوال‌های مذهبی چون آیین قالی‌شوین با کارناوال‌های شادی چون چهارشنبه‌سوری پی نمی‌بریم. اما بلوکباشی از منظر انسان‌شناسی سمبلیک (Symbolic) (Anthropology) به بحث درباره‌ی آیین یاد شده می‌پردازد. انسان‌شناسی سمبلیک برای مطالعه‌ی معنا در زندگی اجتماعی بر روی نمادها و نمادگرایی (Symbolization) متمرکز می‌شود و یکی از زیرمجموعه‌های این گرایش در کنار انسان‌شناسی ادراک (Cognitive) جامعه‌شناسی (Social linguistics)، به بررسی رسم‌ها

(rites) و فرهنگ عامه (folklore) است. انسان‌شناسی تفسیری دوره‌ی باستانی (Interpretive) گیدنز و انسان‌شناسی تجربی «ویکتور ترنر» از نخستین و مهم‌ترین صورت‌های این گرایش در حوزه‌ی انسان‌شناسی می‌باشند و دیدگاه دکتر بلوکباشی را می‌توان از جهاتی با توجه به نقش مهم نماد در ساختار آیین در این حوزه قرار داد.

○

کتاب «قالی‌شوین» دکتر بلوکباشی یک مونوگرافی است که گستره‌ها و زوایای اجتماعی و اعتقادی پیدایش آیین را مورد بررسی و پژوهش قرار می‌دهد. رویکرد مونوگرافیک وی با مروری بر تاریخ، جغرافیا و ریشه‌شناسی نام محل و ساختار اجتماعی و منزلتی که در عرض آیین وجود دارد، شکل می‌گیرد و تقریباً می‌توان گفت هیچ چشم‌اندازی از نگاه گسترده‌ی وی دور نمی‌ماند. این امر به ویژه از آن روی در خور اهمیت است که هر پدیده‌ای در جامعه، یک واقعه‌ی تام اجتماعی (total social facts) است و تنها با ثبت همه‌ی پدیده‌هاست که تعامل ساختاری میان آنها روشن خواهد گردید. چشم‌انداز تحلیلی که دکتر بلوکباشی بر این بحث می‌گشاید، کاوش ریشه‌های اسطوره‌شناختی و نمادین آیین مزبور،

تحول مفهوم شهادت و بررسی این آیین از منظر تلفیق دو فرهنگ ایرانی و اسلامی است. در واقع وی از زمره محققانی است که در بررسی پدیده‌های فرهنگی به ویژه در حوزه‌ی آیین به گشایش چشم‌اندازهای اسطوره‌شناختی دست می‌یازد.

رویکرد مونوگرافیک و اتنوگرافیک وی نخست با شناخت ساختار اقلیمی و اجتماعی جامعه مورد مطالعه همراه است. بی‌شک یکی از ویژگی‌های اساسی مطالعات و کار میدانی (fieldwork) توجه به ویژگی‌های مورد اشاره است. به واقع شناخت آیین آنگاه اهمیت واقعی خود را می‌یابد که آن را در بستر ساختار اجتماعی جامعه و نظام خویشاوندی و معیشتی آن مورد تحلیل قرار دهیم. این پژوهش از سوی دیگر چگونگی تلفیق و تعامل میان فرهنگ‌ها را به ما نشان می‌دهد.

آیین و اسطوره آنچنان که الیاده و... به درستی نشان داده‌اند، سرشتی تاریخ‌ستیز دارد. الیاده از این سرشت، تأویلی متافیزیکی عرضه می‌کند حال آن که شالوده‌شکنی مزبور می‌تواند معانی دیالکتیکی نیز داشته باشد. در واقع می‌توان گفت که این آیین‌ها ما را در برابر تاریخ افسانه‌ای یا کاذب (Pseudo history) قرار می‌دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



○ علی بلوکباشی
○ قالی شویان مشهد اردهال
○ دفتر پژوهش‌های فرهنگی
○ چ دوم، ۱۳۸۱

در حالی که اتنوگرافی و مونوگرافی از شمار مهم‌ترین روش‌های تحقیقی در دانش انسان‌شناسی به شمار می‌آیند و در گسترش نظری این علم اهمیت و ارزش بسیار بالایی دارند، در ایران آثاری که از روش‌های یاد شده به شکلی قوی برخوردار باشند به تعداد انگشتان دست می‌رسد! جالب آن است که در انسان‌شناسی این گرایش همچنان از اهمیت بالایی برخوردار است و برای نمونه می‌توان به مطالعه‌ی مونوگرافیک انسان‌شناس توانا «پی‌یر بوردویو» در زادگاهش درباره‌ی رقص و ساختار اجتماعی در فرانسه اشاره داشت. در مروری بر مونوگرافی‌های ایران، بخشی از آثار مونوگرافیک چون آثار جلال آل احمد از فقدان روش‌های علمی رنج می‌برند و برخی دیگر

چون «بنه» به جغرافیای انسانی یا جامعه‌شناسی روستایی نزدیک می‌شوند. البته برخی دیگر از این آثار چون «اهل هوا»ی غلامحسین ساعدی با روش و نگاهی بسیار عمیق همراه بوده و همچنان مثال زدنی‌اند. در میان آثار مونوگرافیک و اتنوگرافیک که به شکلی دقیق و علمی در حوزه‌ی انسان‌شناسی قرار می‌گیرند، می‌باید از مقاله‌های فراوان و کتاب‌های دکتر علی بلوکباشی نام برد: جزیره قشم، نخل گردانی و قالی شویان مشهد اردهال از شمار کتاب‌های یاد شده‌اند. تا کنون چند تالیف از آیین قالی شویان مشهد اردهال صورت گرفته است، جلال آل احمد در «مهرگان در مشهد قالی»، ناصر تقوایی در مستندی اتنوگرافیک با نام «مشهد قالی»، محمود روح‌الامینی در یکی از فصول کتاب «آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز» و علی بلوکباشی نخست در یکی از مقالات تحقیقی خود در ماهنامه‌ی هنر و مردم و سپس در کتابی با نام قالی شویان، مناسک نمادین قالی شویی در مشهد

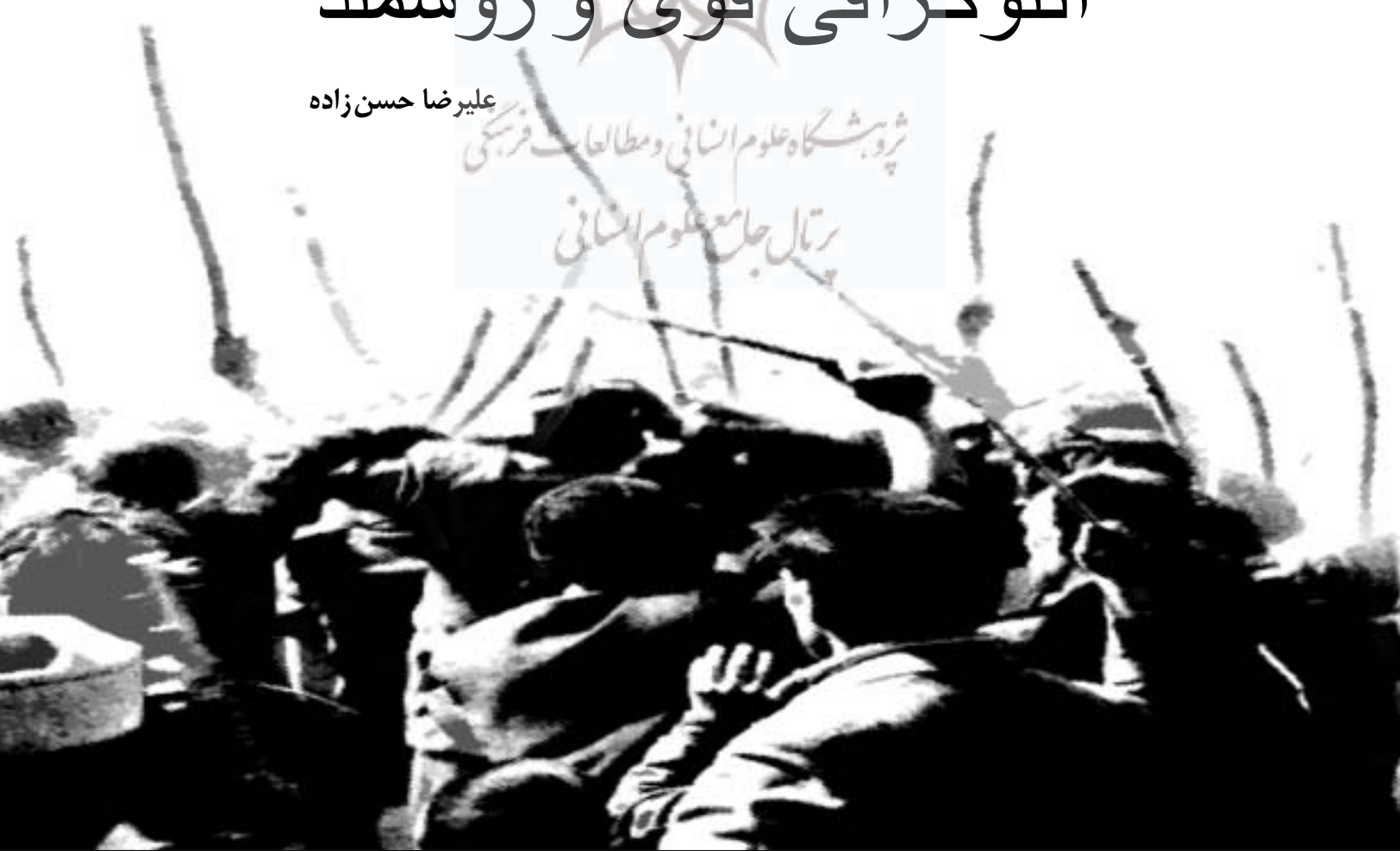
اردهال. البته در این میان باید به آرای تحقیقی که در این باره مطرح شده است چون ایده‌ی بهرام بیضایی درباره‌ی آیین مزبور نیز اشاره داشت (البته نظرگاه بهرام بیضایی متاثر از گرایش اسطوره‌شناسی ماقبل آریایی مهرداد بهار بوده و خاستگاه و ریشه‌ی آیین مزبور را در تمدن بین‌النهرین و غرب آسیا جستجو می‌کند). اما گذشته از تالیف اول و دوم که رویکرد آنان از رویکردی انسان‌شناسانه به معنای تئوریک و تحقیقی آن کم و بیش فاصله دارد، دو اثر واپسین را می‌توان به عنوان نگارش‌های انسان‌شناختی مهمی که به شناخت زوایای پنهان و ژرف ساخت‌های آیین مورد بحث می‌پردازند، مورد تحلیل و نقد قرار داد. این نوشته به بحث درباره‌ی کتاب دوم می‌پردازد، اما به ناگزیر نظرگاه ایده‌های دیگری را که درباره‌ی آیین مزبور عنوان گشته است، مورد بحث قرار می‌دهد.

○ آیین قالی شویان را می‌باید از کدام دسته

چند پرسش بی‌پاسخ در یک اتنوگرافی قوی و روشمند

علیرضا حسن زاده

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



the Black) در مکزیکو و تاسوعا و عاشورا در ایران از شمار فستیوال‌های مذهبی با سرشت اندوهبار به شمار می‌آیند. در این فستیوال‌ها نمایش واقعیت، تکرار واقعی اتفاقی تاریخی هستند، اتفاقی که گویی در زمان برپایی فستیوال به وقوع می‌پیوندد.

ضبط دقیق نویسنده‌ی کتاب از ابعاد اعتقادی، اجتماعی و اقتصادی آیین، به طور دقیق سرشت فستیوال آیین یاد شده را به ما نشان می‌دهد: متبرک بودن خرید در این روز (ص ۴۲).

دسترسی زارعان آبادی‌ها در این روز به انواع کالاها (ص ۴۳) اهمیت روایت مرکزی و بنیادین و نقش آن (ص ۴۳) جنبه‌های نمایشی و آیین‌هایی چون تعزیه، پرده‌خوانی و شبیه‌خوانی (ص ۴۷) چشم‌بندی، شعبده‌بازی، مارگیری، کف‌بینی، فالگیری، (ص ۴۹) حضور هزاران تنی مردم از تمام آبادی‌ها و... باید توجه داشت که در فستیوال مذهبی امامزادگان دیگر چون شاهزاده ابراهیم (گیلان) نیز با برپایی نمایش و تعزیه و اهمیت روایت مرکزی یک واقعه‌ی دینی، و بازآفرینی زمان مواجه می‌باشیم، به قول اکتاوپوپاز «عید مذهبی به خالق زمان بدل شده و تکرار به مفهوم تبدیل می‌گردد» (ن. ک: دیالکتیک تنهایی) در کتاب اما آیین قالی‌شویان نه از زاویه یک فستیوال مذهبی که بر پایه‌ی نمادگرایی موجود در آن به عنوان صورتی تلفیقی از ارزش‌های متعالی دینی و باورهای اسطوره‌ای و بومی مورد بحث واقع می‌شود. بر این اساس است که بلوکباشی اهمیت «آب» و نمادپردازی مبتنی بر آن را با سمبولیسم زراعی مرتبط می‌داند و قالی را نمادی از شهید دشت ارده‌ال می‌شناساند. با این حال سرشت کارنوالی آیین آنچنان که باید مورد تاکید قرار نمی‌گیرد.

○

با خواندن توصیف دقیقی وی از آیین قالی‌شویان پرسش‌هایی مطرح می‌گردد که پاسخ به آنها می‌تواند در خور اهمیت باشد: اندیشمندان و فرهنگ پژوهان بزرگ غرب چون نیچه، کمبل و... تمدن ایرانی را به دلیل واسط بودن میان تمدن غرب و شرق دارای ویژگی‌های هر دو سوی می‌دانند. کمبل باور دارد که در ثنویت ایرانی «فرد» علی‌رغم اعتقاد به پیروزی محتوم خیر، تلاش خود را در فرو شکستن و شکست «شر» دخیل می‌داند. بر همین اساس است که اسطوره‌ی شهادت با روایت ستیز خیر و بدی، و بازنمایی آن در عرصه‌ی آیین، یادآور نقش فرد در شکست دادن بدی‌هاست و از همین روست که در آیین قالی‌شویان مردم بر ستم پیشگی‌ها می‌شورند و خشم خود را ابراز می‌دارند. با اینحال آنچه در آیین قالی‌شویان به نظر جالب می‌آید،

گونه‌ای برداشت گنوستیک از مفهوم شهادت است. در این برداشت، فرد از طریق شهادت نیروی معنوی و خدایی مقهور وجود خویش را به کمال می‌رساند. و خود را از آلودگی‌های زمینی می‌پالاید و دلیل و حجت «حق» می‌شود. و از سوی دیگر سمبولیسم موجود در این آیین ما را با عنصر تطهیر رو به رو می‌سازد و از همین روست که دست زدن به قالی تابو می‌باشد. جالب آن است که امام غریب در چنبره‌ی اهریمنیانی قرار می‌گیرد که به قتل وی دست می‌آلایند و این خود می‌تواند با قصه‌های بنیاد گنوستیک که در آن انسان تنها چون نی‌ای چوبین ناله‌ی تنهایی سر می‌دهد مربوط باشد به واقع هم‌آمیزی حماسه‌ی ستیز خیر و شر و بن مایه‌ی گنوستیک تنهایی به روایت شهادت امامزادگان ایرانی تبدیل می‌شود. بر این

اساس آیین می‌توان گفت که در آیین قالی‌شویان ثنویت ایرانی رخ بر می‌کند؟ گزارش دقیق کتاب از ثنویت و تضاد موجود در آیین که در

تسلطپذیر ساختن حیات، باید آن را به مرگ تبدیل کرد. در واقع مرگ تنها یقین زندگانی است» (ن. ک: گریز از آزادی) این گرایش آیینی در انطباق با ساختارهای اتوکراتیکی قرار می‌گیرد که پرستشگر مرگ به شمار می‌آیند. و همواره به تجسد انسان فکر می‌کنند. ترس و ستایش دو عنصر نزدیک و همسرشت به شمار می‌آیند. گرایش مرگ پرستانه نیروی تسلیم، پذیرندگی و گذشته‌گرایی را افزایش می‌دهد، در واقع اگر این پرسش‌ها و گمانه‌ها را بسیار تند بینگاریم باید این سؤال را مطرح ساخت که آیا از نظر نویسنده‌ی کتاب آیین‌های اسطوره‌ای سوگ در ایران دارای کارکرد منفی نیست؟ در این باره به پاسخی در کتاب دست نمی‌یابیم. درواقع بر مبنای دیدگاه «ترنر» اگر آیین را با توجه به ویژگی درون زمانی و برون زمانی آن

آیا سوگ که باروری و قدرت زندگی را جستجو می‌کند نمی‌تواند آن گونه که فردم در کارکرد منفی آن نشان داده است به گرایش مرگ پرستانه و اتوکراتیک و سوگ گرایانه منتهی شود

و میانگی آن در دو جغرافیای واقعیت و فراواقعیت صورتی آستانه‌ای (liminality) بدانیم، آنگاه نویسنده‌ی کتاب با تبدیل یک متن آستانه‌ای (liminaltext) به یک متن دینی (religious text) امکان شناخت کارکردهای منفی متن مزبور را از ما سلب کرده است. البته حتی اگر آیین مزبور را نه مبتنی بر ویژگی آستانه‌ای که مرتبط با جماعت (community) بدانیم، باز نمی‌توان کارکردهای منفی آیین را از نظر دور داشت. البته به نظر می‌رسد که کتاب‌های «از ایران چه می‌دانیم» از آنجا که برای جوانان و نوجوانان نگاشته می‌شود، امکان بحث تحلیلی بیشتر را برای نویسنده فراهم نساخته است، چه کتاب‌های مزبور باید به زبانی ساده نوشته شده و از طرح مباحث پیچیده‌ای که باعث سخت شدن درک متن گردد، پرهیز نماید. در بازخوانی کتاب «قالی‌شویان» بی‌شک آن را باید از آثار موفق اتنوگرافیک و مونوگرافیک ایران دانست، و چنین ویژگی مثبتی بی‌شک با ممارست، و نگاه آموخته و صیقل یافته‌ی نویسنده‌ی انسان‌شناس آن مرتبط است و چند پرسش بی‌پاسخ، هرگز از ارزش، اهمیت و عمق این کار در خور تحسین نمی‌کاهد.

آن ناپاکانی چون پاپک و پیرزن لعن می‌شوند (ص ۲۰) و پاکانی چون امامزاده علی ستایش می‌گردند، پرسش درباره‌ی تاه‌ثیر ثنویت ایرانی را بر آیین مزبور پیش می‌کشد. اما آیا باز می‌توان لایه‌های پنهان آیین مزبور را یک به یک کنار نهاد و در کنار کارکرد مثبت آن به کارکرد منفی آن نیز اندیشید؟ اسطوره‌ی مرگ سوگبار یک اسطوره و آیین آستانه‌ای (شک -limi) است و به مفهوم «قربانی» بسیار نزدیک می‌باشد. مارسل مس قربانی را واسط میان مردم و خدای یا خدایان و جهان‌های مقدس و نامقدس می‌داند که آرزوها و خواست آنان را برآورده می‌سازد. درواقع قربانی میانجی دو گیتی مورد اشاره است. از سوی دیگر اگر از منظری که اریک فروم به قربانی می‌نگرد نگاه کنیم میان مفهوم خون به عنوان جوهر حیات و نیاز به باروری و زندگی‌گرایی مبتنی بر تقدیم قربانی ارتباط نزدیکی وجود دارد. فروم این نظریه‌ی خود را در باره‌ی آیین‌های قربانی در نزد ازتک‌ها، مونت نگرها و کرس‌ها مطرح می‌سازد. حال این سؤال مطرح می‌گردد که آیا سوگ که باروری و قدرت زندگی را جستجو می‌کند نمی‌تواند آن گونه که فردم در کارکرد منفی آن نشان داده است به گرایش مرگ پرستانه و اتوکراتیک و سوگ گرایانه منتهی شود. در چنین گرایشی به نظر فروم «برای

نویسنده کتاب نیز این موضوع را از همان آغاز به نیکی بیان می‌دارد «تبار شناسان و شرح و حال نویسان قدیم و حتی تاریخ نگاران محلی از هجرت امامزاده علی به ایران و اقامتش در فین و فاوه و جنگ او با زرین کفش، حاکم وقت اردهال و چگونگی شهادتش خبر و گزارش نمی‌دهند.» (ص ۲۰) همان‌طور که مؤلف تاریخ قم و عبدالجلیل قزوینی نیز در این باره به هیچ اشاره‌ای نمی‌پردازند. این واقعیت را می‌توان درباره‌ی شخصیت‌های ساخته و پرداخته در این آیین نیز سراغ یافت یعنی آنها نیز به تاریخی افسانه‌ای باز می‌گردند: «این شخصیت‌ها ساخته و پرداخته‌ی ذهن جمعی مردم و از روی شخصیت‌های تاریخی اسلام هستند، مثلاً ازرق شخصی است ساخته از ازرق سردار لشکر عمر بن سعد که در واقعه‌ی

نخستین سده‌های اسلامی، اگرچه حماسه‌ی شهادت سیاوش بن مایه و بافتی قدیسانه داشت و پیام «هشدار و عبرت» و «نشان دادن بیداد فردستان دنیادار، و مظلومی پاکان و پیروزی نهایی حقیقت، بر کذب بود، لیکن برای شیعیان مبشر نجات و رستگاری نبود و نمی‌توانست به نیازها و آرمان‌های دینی آنان پاسخ دهد و هیجان‌های مذهبی آنان را فرو نشاند. سیاوش قهرمانی از فرهنگی دیگر و شهیدی از کیش و آیین دیگر بود. ایرانیان مسلمان، سیاوش را در مقام آن برگزیده‌ای که با رسالتی آسمانی روزگار را درگرون کند» نمی‌نگریستند آنان این رسالت و بشارت را در دین اسلام می‌دیدند و از قهرمان مقدس مذهبی خود انتظار داشتند.

با توجه به نگاه چند فرهنگی (cultural

Multi) نویسنده وی تعامل

دو فرهنگ ایرانی و اسلامی را در عرصه‌ی سوگ باز کاویده و باز می‌خواند: «اسطوره‌ی قهرمانی سیاوش ایمان به نیروی الهه‌ی انتقام را در مردم بر می‌انگیخت و مردم را نوید می‌داد که الهه‌ی انتقام سرانجام داد ستم‌دیدگان را

از ستم پیشگان خواهد گرفت! در صورتی که حماسه‌ی شهادت امام حسین (ع) نیروی دادخواهی و آرمان پیروزی بر ستم را در دل مردم دینورز برمی‌انگیزاند و شیعیان را برای مبارزه با نظام‌های استبدادی و ایستادگی در مقابل جور و ستم حاکمان فرا می‌خواند» (ص ۷۴)

دکتر بلوکباشی با توجه به نگاه چند فرهنگی خویش که یکی از مهمترین رهیافت‌های انسان‌شناسی پسامدرن است، وجود یک خاستگاه را برای پیدایی آیین قالی‌شویان رومی کند. از یکسوی با توجه به آمیختگی آیین قالی‌شویان با تاریخ افسانه‌ای نمی‌توان از خاستگاه دینی و مذهبی آن سخن گفت، از سوی دیگر ذکر خاستگاه ایرانی برای آیین یاد شده، تلفیق دو فرهنگ ایرانی و اسلامی را نادیده می‌انگارد. تلفیق غیر ایرانی بودن آیین مزبور (بین‌النهرینی انگاشتن آن) با توجه به حضور برجسته‌ی عناصر ایرانی در ساختار آیین مزبور آن‌چنانکه نویسنده کتاب نشان می‌دهد، درست به نظر نمی‌رسد. (عواملی چون گاهشماری خورشیدی آیین و...) بنابراین همانگونه که دکتر بلوکباشی نشان می‌دهد باید از ساختار ایرانی - اسلامی آیین مزبور سخن گفت.

سرشت فستیوالی آیین

قالی‌شویان

یکی از انواع فستیوال‌ها، فستیوال‌های مذهبی (religious festivals) می‌باشد که در آن با تجمع پیروان یک دین با مذهب در زمانی خاص رو به رو می‌باشیم. این فستیوال‌ها به شکلی منظم در زمانی خاص، اشکال مقدس، وقایع بزرگ، تولدها و مرگ‌های مردان دینی و سالگرد خدایان را ارج می‌نهند. فستیوال‌های مذهبی شامل گروه‌های بزرگی از پیروان دینی و مذهبی خاص می‌باشند که در یک زمان گرد هم می‌آیند. این فستیوال‌ها به کمک تجارب مذهبی به شرح ارزش‌های اجتماعی و آموزه‌های اعتقادی خود می‌پردازند. نمونه‌ای از فستیوال مزبور در سطح جهان فستیوال ماهاکوما (Mahakum - bhamela) در هندوستان است که در آن میلیون‌ها تن در کنار رودخانه‌ی گنگ (Ganges) گرد می‌آیند. گروه مردم از جمله مرتاضان برای پالایش گناهان خویش در این روز به غسل می‌پردازند. از دیگر فستیوال‌های مذهبی می‌توان از روز گوود لپ (Guadulpe day) در هفده دسامبر در نزدیکی مکزیکوسیتی نام برد. این فستیوال مذهبی نیز با حضور میلیون‌ها تن برپا می‌گردد. در شهرهای مسیحی نشین چون رم و... هر سال فستیوال‌های مخصوصی برپا می‌گردد. انسان شناسان حج را نیز از جمله فستیوال‌های بزرگ مذهبی در جهان به شمار می‌آورند که در آن دین اسلام و اصول آن گرامی داشته می‌شود. بودگایا در هندوستان، محل درخت بودا، قله‌ی آدم در سریلانکا، جایی که به اعتقاد مسیحیان و مسلمانان جای پای حضرت آدم در آنجا مانده است، معبد شیوا خدای هندوها و بیت‌المقدس و... از مکان‌هایی هستند که فستیوال‌هایی مذهبی در آنها برپا می‌شود. هر کدام از این مکانها به دلیلی خاص در خور احترام گردیده‌اند و هر یک داستانی را در خویش بازگو می‌کنند و از سوی دیگر ساختار بازار گونه‌ای که در زمان برپایی فستیوال در محل شکل می‌یابد، تعامل و ارتباط چشمگیر مردم را نمایان می‌سازد. البته باید توجه داشت که در جوامع مدرن فستیوال‌ها جنبه‌ی تجاری و عمومی می‌یابند مانند کریسمس یا عید روز پاک. در این فستیوال‌ها کارکرد اصلی افزایش ارتباطات (Communitas) است که برای نمونه در دادن هدیه به هم خود را نشان می‌دهد. وجود و اهمیت خوراک، پیوند فستیوال‌ها را با آیین‌های زراعی معلوم می‌دارد.

اما برخی از فستیوال‌های مذهبی روایت‌گر داستانی سوگبار، تلخ و غمگنانه‌اند. نمایش مصلوب شدن عیسا در اتریش (در اوبرامگو) نمایش تپه‌های سیاه (Hills Paggion Play)

علی بلوکباشی آیین قالی‌شویان

را مناسک نمادین می‌نامد

و یا روح الامینی بر آن نام جشن‌ها و

آیین‌های محلی و منطقه‌ای می‌گذارد

کربلا در نبرد با حضرت قاسم کشته شد. خواجه نصیر را هم دو تن از رجال، فاوه‌ای معرفی کردند که وجود خارجی این شخصیت‌ها هم در اسناد تاریخی روشن نیست.» (ص ۲۳) این امر از آن روست که ذهن توده همواره نمونه‌های مثالی را به خاطر می‌سپرد و نه واقعیت‌های تاریخی را (ن. ک یایده اسطوره، بازگشت جاودانه) از سوی دیگر افسانه‌های آیینی و روایت‌هایی که ما آنها را تاریخ کاذب نام نهادیم آنگونه که ویکتور ترنر نشان داده است پدیده‌هایی آستانه‌ای (liminality) هستند. ترنر به فستیوال‌ها نیز از این منظر نگاه می‌کند. به همین دلیل آیین با روایت‌های اسطوره - افسانه‌ای می‌آمیزد.

نویسنده کتاب در بررسی خاستگاه آیین مشهد اردهال به تلفیق فرهنگ‌ها و مساءله‌ی مهم تداخل فرهنگی به عنوان امر و علتی مهم توجه نشان می‌دهد. از سوی دیگر «سوگ» را به عنوان یک آیین، پدیده‌ای دینامیک و پویا دانسته و آن را در تلفیق دو فرهنگ ایرانی و اسلامی می‌پژوهد و ارتباط آن را از یک سوی با اسطوره‌ی سیاوش و از سوی دیگر با مراسم سوگواری عاشورا بر می‌سنجد.

به واقع وی مهمترین جلوه‌ی این فرهنگ تلفیقی و تحول و تکامل اندیشگی آن را مطرح می‌دارد: «در فرهنگ دینی ایران پیش از اسلام و